



طرح: آزاده پاک‌نژاد

می‌دهند. برخی دیگر نیز نارضایتی عربستان از برخی اقدامات سیاسی آمریکا را در این تصمیم موثر دانستند. این اقدام عربستان، موجب کاهش بیشتر قیمت نفت شد و قیمت سبد نفتی اوپک به زیر ۸۰ دلار سقوط کرد. بر اساس این حرکت اخیر عربستان بود که برخی این فرضیه را مطرح کردند که شاید هدف جدید، نه ایران و روسیه که آمریکا باشد.

ایران و روسیه: مظنونان همیشگی

تا پیش از تخفیف‌های اخیر عربستان به خریداران آمریکایی نفت، عمده تحلیل‌ها بر این مساله متمرکز بود که عربستان از کاهش قیمت نفت به عنوان ابزاری جهت فشار بر ایران و روسیه بهره می‌گیرد. در این تحلیل‌ها، دلیل اصلی فشار بر ایران، اختلافات همیشگی با عربستان، مساله هسته‌ای، حمایت از دولت سوریه و تلاش برای تامین نظرات آمریکا عنوان می‌شود. در مورد روسیه نیز به طور مشابه تامین نظر آمریکا از جمله با توجه به تنش‌های پیشین در مورد اوکراین و مساله سوریه به عنوان دلایل اصلی ذکر شده‌اند. فرضیه کاهش قیمت نفت با هدف فشار بر ایران و روسیه، یک شاهد تاریخی نیز دارد: سال ۱۹۸۶، در سال مذکور افزایش تولید عربستان، باعث شد متوسط سالانه قیمت نفت اوپک از ۲۷/۰۱ دلار در هر بشکه به ۱۲/۵۳ دلار کاهش یابد^۱ و اصطلاحاً «شوک نفتی سوم» رقم بخورد. این اقدام عربستان از سوی بسیاری از کارشناسان، به عنوان تلاشی در راستای تامین نظرات آمریکا به منظور فشار بر ایران (در دوران جنگ) و شوروی سابق تعبیر شده است؛ هرچند نمی‌توان به تایید یا رد قاطع این فرضیه پرداخت. سیدغلامحسین حسن‌ناش، کارشناس اقتصاد انرژی و تحلیلگر بازار نفت، در این خصوص به «تجارت فردا» می‌گوید: «برای توضیح علت وقوع شوک نفتی ۱۹۸۶ باید قدری به قبل از آن برگشت. بعد از وقوع شوک افزایشی قیمت در سال ۱۹۷۳، کشورهای صنعتی

کدام کشور است که به معنای دقیق کلمه به «سلاح نفت» مسلح باشند؟ پاسخ احتمالاً کشوری است که تاثیر قابل توجهی بر عرضه نفت داشته باشد، چنان که بتواند با کاهش یا افزایش عرضه نفت، بازار را تحت تاثیر قرار دهد. اگر این کشور به مدد ذخایر خارجی هنگفت خود تا حدی بتواند (لااقل در کوتاه‌مدت) از اثرات کاهش قیمت نفت مصون بماند و در عین حال همواره به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت اوپک و جهان شناخته شود، با دقت قابل پذیرشی می‌توان گفت «سلاح نفتی» را در دست دارد. مشخصاً «عربستان» تنها کشوری است که حد اعلای تمامی آنچه گفته شد و در واقع «سلاح نفتی» را در دست دارد؛ اما سوال اینجاست که آیا ممکن است گذشته از ایران و روسیه، حتی آمریکا هم با این سلاح تهدید شود؟ تا چند روز قبل، بسیاری از کارشناسان معتقد بودند کاهش قیمت نفت به منظور فشار بر ایران و روسیه صورت گرفته است. بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، عربستان سعودی طی پنج ماه گذشته در فروش نفت به خریداران آسیای دور، تخفیف ارائه می‌کرد. اما چند روز قبل و در نخستین روزهای ماه نوامبر، این کشور اقدام به ارائه تخفیف به خریداران آمریکایی و افزایش قیمت نفت صادراتی به مقصد اروپا و آسیا کرد. بسیاری این را به تلاش عربستان جهت باز پس گرفتن سهم خود از بازار آمریکا و نیز فشار بر توسعه منابع نفت شیل نسبت

سناریوی سعودی

سلاح نفتی عربستان کدام کشور را هدف گرفته است: ایران، روسیه یا آمریکا؟

رامین فروزنده

بودجه را مدیریت کند. بر اساس آخرین آمار ماهانه موسسه پولی عربستان سعودی که بانک مرکزی این کشور به شمار می‌رود، در ماه سپتامبر ذخایر خارجی عربستان ۷۴۴ میلیارد دلار بوده است.^۴ همچون عربستان، روسیه نیز از ذخایر خارجی قابل توجه ۴۰۹ میلیارد دلار برخوردار است. با وجود کاهش قیمت نفت، کاهش ارزش روبل بعد از تحریم‌های اخیر نیز به روسیه امکان می‌دهد به مدیریت بهتر درآمدهای حاصل از فروش نفت بپردازد. طی سال جاری میلادی ارزش روبل بیش از ۲۵ درصد کاهش یافته و از ۰/۰۳۰ دلار در اول ژانویه به ۰/۰۲۲ دلار در ابتدای نوامبر رسیده است. این کاهش ارزش روبل می‌تواند از نظر درآمدی، جبران‌کننده کاهش قیمت نفت باشد. آنتون سیلوانوف، وزیر دارایی روسیه، در این خصوص گفته است: «کاهش یک‌دلاری قیمت نفت موجب کسری ۷۰ میلیارد روبل در بودجه روسیه می‌شود. در حالی که یک روبل کاهش در نرخ مبادله، رشد ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیارد روبلی به همراه دارد.»^۵ کاهش ارزش روبل هر چند به لحاظ موازنه بودجه می‌تواند برای دولت روسیه سودمند باشد، برای عموم مردم این کشور اثرات ترمی دربر خواهد داشت.

علاوه بر روسیه، به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت ثبات قیمت نفت در سطوح فعلی، تاثیر قابل توجهی بر بودجه دولت ایران نیز نداشته باشد. از مجموع درآمد ۱۹۵ هزار میلیارد تومانی دولت، حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان از محل نفت تامین می‌شود. صادرات روزانه یک میلیون بشکه نفت خام و ۲۹۷ هزار بشکه میعانات گازی و نیز فروش روزانه ۱۲۰ هزار بشکه میعانات گازی به خریداران داخلی درآمد نفتی دولت در سال جاری را تامین می‌کند. لذا می‌توان نتیجه گرفت کاهش ۲۰ دلاری قیمت نفت، مجموعاً کمتر از هشت درصد بر بودجه سال جاری تاثیر خواهد داشت. در گفت‌وگوی شماره ۱۰۵ «تجارت فردا» با ابراهیم بهادرانی، دبیر کل اتاق بازرگانی تهران، او با اشاره به این مساله راهکارهای مدیریت کسری بودجه در این شرایط را این‌گونه عنوان می‌کند: «در مرتبه اول دولت باید بودجه‌های جاری و عمرانی را مدیریت کند. اگر با کسری بودجه مواجه شویم، یک راهکار این است که با تصویب مجلس، سهم ۲۹ درصدی صندوق توسعه ملی کاهش یابد. راهکار دیگر می‌تواند این باشد که با توجه به فاصله نرخ دلار ۲۶۵۰ تومانی با نرخ دلار آزاد حدود ۳۱۵۰ تومان، لایحه‌ای به مجلس ببرند و این فاصله را تعدیل کنند. این کار، نتیجه بهتری خواهد داشت چون به تک‌نرخ شدن دلار نزدیک‌تر خواهیم شد. البته وقتی پایه ارز تغییر کند، در بازار آزاد هم قیمت دلار تغییر خواهد کرد؛ اما لاجرم

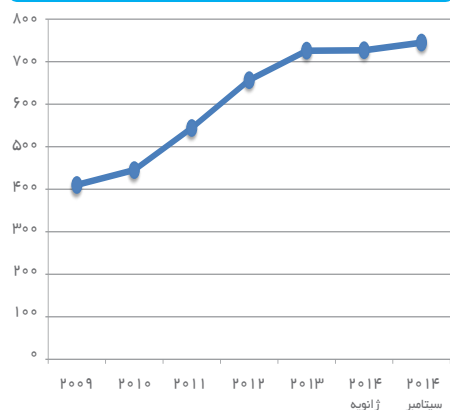


غلامحسین حسینی‌تاش معتقد است در سال ۱۹۸۶ سقوط قیمت نفت معلول افزایش تولید عربستان بود اما اینک کاهش قیمت نفت معلول اضافه عرضه در بازار است.

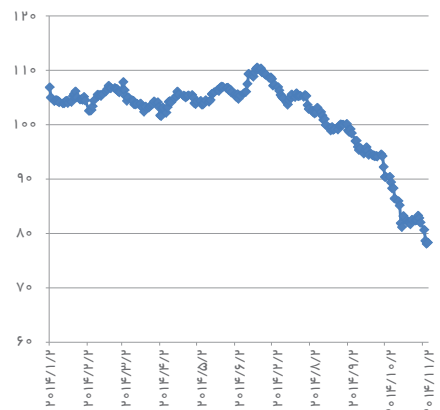
روایت فرزند رونالد ریگان و تعبیر کارشناسان از دلیل وقوع شوک نفتی سوم در سال ۱۹۸۶، در انطباق با فرضیه‌ای است که درباره هماهنگی آمریکا و عربستان برای فشار بر ایران مطرح می‌شود و به طور روشن توسط پایگاه گلوبال ریسرچ با عنوان «توافق احمقانه و محرمانه آمریکا و عربستان» مطرح شده است: «دستکاری قیمت نفت توسط آمریکا و عربستان با هدف ناپایداری‌سازی چند مخالف قدرتمند سیاست‌های جهانی آمریکا انجام شده است. هدف‌ها شامل سوریه و ایران می‌شود که هر دو متحد روسیه در مخالفت با آمریکا به عنوان یک ابرقدرت هستند. به هر حال، هدف اصلی روسیه است که قوی‌ترین تهدید علیه هژمونی ابرقدرت آمریکا به شمار می‌رود. استراتژی مشابه همان چیز است که آمریکا با عربستان در ۱۹۸۶ انجام دادند؛ زمانی که جهان را با نفت سعودی‌ها پر کردند و باعث شد قیمت نفت به کمتر از ۱۰ دلار در روز برسد و اقتصاد عراق دوران صدام حسین، متحد وقت شوروی و نهایتاً خود شوروی نابود و راه برای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هموار شود.» بر اساس اغلب برآوردها، قیمت نفت مورد نیاز عربستان برای تامین بودجه سال جاری کمتر از ۱۰۰ دلار است که پایین‌تر از رقم مورد نیاز ایران و روسیه برآورد می‌شود. برآورد اکونومیست نشان می‌دهد برای تامین نیاز بودجه، ایران به قیمت نفت ۱۳۶ دلار، روسیه ۱۰۰ دلار و عربستان ۹۳ دلار نیازمند است. در عین حال عربستان ذخایر ارزی قابل توجهی نیز در اختیار دارد که به این کشور امکان می‌دهد در قیمت‌های نفت کمتر نیز کسری

سیاست‌هایی را جهت کنترل مصرف انرژی و ارتقای بهره‌وری آن و جایگزین کردن انرژی‌های دیگر به جای نفت و نیز تولید نفت از سایر مناطق غیراوپک به کار گرفتند که نتیجه همه اینها کاهش تقاضا برای نفت اوپک بود. نتیجه این سیاست‌ها بعد از چند سال ظاهر شد. در مرحله اول با وقوع انقلاب ایران و کاهش تولید و صادرات ایران در سال ۱۹۷۹، عرضه اوپک با تقاضای کاهش یافته برای آن، بالانس شد اما کاهش تقاضا برای نفت اوپک بازهم ادامه یافت. از سال ۱۹۸۰ به بعد سیاست اوپک در این مسیر قرار گرفت که متناسب با کاهش تقاضا، تولید و عرضه نفت خود را کاهش دهد تا از سقوط قیمت جهانی نفت جلوگیری شود و اضافه عرضه موجب سقوط قیمت نشود و در این میان عربستان همواره بیشترین کاهش را در تولید خود می‌داد؛ به طوری که تولید نفت عربستان از بیش از ۱۰ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۰ به کمتر از چهار میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ رسید و این به معنای آن بود که عربستان در سال ۱۹۸۵ چندین میلیون بشکه ظرفیت مازاد تولید داشت و طبیعتاً می‌توانست به تنهایی با افزایش تولید خود موجب سقوط قیمت نفت شود. در این شرایط عربستان در سال ۱۹۸۶ ناگهان نغمه جدیدی را ساز کرد و آن این بود که اوپک در طول این سال‌ها اشتباه کرده است و باید سیاست دفاع از قیمت از طریق کاهش تولید را کنار بگذارد و به فکر سهم بازار خود باشد؛ چون با کاهش تولید خود جا را برای سایر انرژی‌ها و نیز برای تولید غیراوپکی‌ها باز کرده است. این مساله اوپک را وارد یک دوره توفانی کرد که دیگر سابقه ندارد. بسیاری از اعضای اوپک با این سیاست مخالف بودند ولی عربستان یک‌طرفه تولید خود را افزایش داد و موجب سقوط قیمت نفت شد. تولید عربستان از ۳/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ به ۵/۲ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۶ افزایش یافت. بعدها افشا شد که سیاست سهم بازار تئوری آمریکا و عربستان و طرح سازمان سیا و پوششی برای سقوط دادن قیمت برای فشار بر ایران برای پایان دادن به جنگ، تسریع فرآیند فروپاشی شوروی و فشار به لیبی بوده است. البته باید توجه داشت که این سیاست در زمانی اتفاق می‌افتاد که سیاست‌های آمریکا و کشورهای صنعتی برای کاهش وابستگی به نفت اوپک و خاورمیانه تحقق پیدا کرده بود. «ماجرای تئوری آمریکا با عربستان در نوشته چند ماه قبل مایکل ریگان، فرزند رونالد ریگان، نیز منعکس شده و او تجربه پدر خود را در مواجهه با شوروی سابق در سال ۱۹۸۶ به عنوان پیش‌نهادی برای باراک اوباما مطرح کرده و نوشته است: «از آنجا که فروش نفت تنها منبع ثروت کرملین بود، پدر من سعودی‌ها را واداشت بازار را با نفت ارزان پر کنند.»^۶

ذخایر ارزی عربستان سعودی در سال‌های اخیر (میلیارد دلار) - منبع: بانک مرکزی عربستان



رند نزولی قیمت سبد نفتی اوپک در سال ۲۰۱۴ (دلار در بشکه) - منبع: اوپک



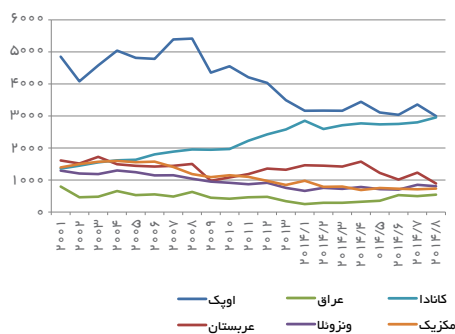
در حالت اجبار قرار گرفته‌ایم و باید بین انواع راهکارهایی که در دسترس قرار دارد، کم‌هزینه‌ترین را انتخاب کنیم.»

با در نظر گرفتن آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد حتی اگر هدف عربستان فشار بر ایران و روسیه همچون سال ۱۹۸۶ باشد، این ابزار کارایی چندانی ندارد. حسن تاش در مقایسه کاهش قیمت فعلی نفت و شوک سوم نفتی می‌گوید: «لان شرایط از جهاتی مشابه و از جهاتی متفاوت با آن دوره است. در آن زمان سقوط قیمت نفت معلول افزایش تولید عربستان بود اما اینک کاهش قیمت نفت معلول اضافه عرضه در بازار است و عربستان در ماه‌های اخیر تولید خود را افزایش نداده؛ بلکه به دلیل شرایط بازار برای حفظ سطح تولید و صادرات خود، مجبور به کاهش قیمت شده است. در واقع اینکه اگر انگشت اتهام به سمت عربستان نشانه می‌رود به این علت است که در چنین شرایطی از این کشور انتظار می‌رود تولید خود را برای حفظ قیمت‌ها کاهش دهد، چرا که طی سال‌های اخیر و خصوصاً بعد از وقایع موسوم به بهار عربی، بسیاری از اعضای اوپک به تناوب دچار مشکل کاهش تولید ناشی از وقایع سیاسی یا تحریم بوده‌اند و عربستان از همه این فرصت‌ها استفاده کرده است و انتظار این است که با افزایش نسبی تولید دیگران، عربستان جا را باز کند و کاهش قیمت این کشور نشان می‌دهد نمی‌خواهد این کار را بکند، اما عربستان در حال حاضر به هیچ‌وجه از ظرفیت مازاد تولیدی به اندازه سال ۱۹۸۵ بر خوردار نیست. شباهت دیگر این است که طی چند سال اخیر که قیمت نفت به طور نسبی بالا بوده است تولید نفت از لایه‌های شیلی اقتصادی شده و سرمایه‌گذاری زیادی روی آن انجام شده و زیرساخت‌ها فراهم شده و اینک هزینه تمام‌شده آن پایین آمده است؛ اما روابط ایالات متحده و عربستان مانند دهه ۱۹۸۰ نیست که به راحتی چنین تناسلی اتفاق بیفتد. البته هم‌اکنون هم مانند سال ۱۹۸۵ عربستان انگیزه کافی برای فشار به ایران دارد و آمریکا نیز انگیزه برای فشار به روسیه و ایران دارد.»

آمریکا؛ به خاطر یک مشت دلار

سال‌هاست آمریکا بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان به شمار می‌رود. بر اساس آمارهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا، واردات نفت این کشور در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷، در بالاتر از مرز ۱۰ میلیون بشکه در روز تقریباً ثابت بوده است. از سال ۲۰۰۸ روند نزولی واردات نفت این کشور آغاز شد و در سال ۲۰۱۳ به ۷/۷ میلیون بشکه در روز رسید. طی این دوران، سهم اوپک از بازار نفت آمریکا از ۵/۴ میلیون بشکه در روز به حدود ۳/۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. همراه با این کاهش سهم اوپک در بازار نفت آمریکا، سهم عربستان نیز اندکی کاهش یافت و از ۱/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۸ به ۱/۳ میلیون بشکه در روز

واردات نفت آمریکا به تفکیک مبدا (هزار بشکه در روز) - منبع: eia.gov

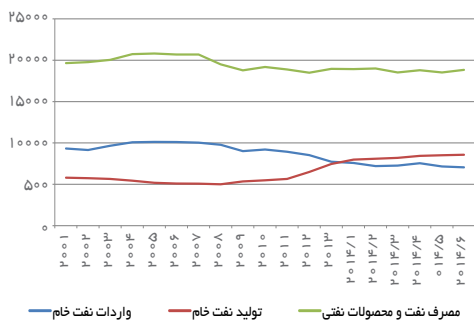


در سال ۲۰۱۳ رسید؛ اما در ماه‌های اخیر، روند نزولی واردات نفت آمریکا از اوپک شدت گرفت و این بار برخلاف سال‌های قبل، کاهش واردات نفت عمدتاً متوجه عربستان بوده است. در مارس امسال، آمریکا ۳/۱ میلیون بشکه نفت از اوپک وارد کرد که سهم عربستان ۱/۵ میلیون بشکه در روز بوده است. در ماه آگوست، واردات نفت آمریکا به حدود سه میلیون بشکه در روز کاهش یافت، ولی سهم عربستان به کمتر از ۹۰۰ هزار بشکه در روز سقوط کرد. واردات نفت آمریکا از اوپک در اغلب ماه‌های سال جاری میلادی، حداقل سه میلیون بشکه در روز بوده است ولی واردات نفت از عربستان طی ماه‌های اخیر، با روندی پایدار کاهش یافته است. کاهش واردات نفت از عربستان را می‌توان یکی از دلایل اقدام اخیر این کشور در ارائه تخفیف به خریداران آمریکایی به منظور دستیابی مجدد به سهم بازار ارزیابی کرد؛ اما علاوه بر دلیل مذکور، این نظریه نیز وجود دارد که عربستان سعودی به طور کلی قصد دارد بر روند توسعه منابع شیل در آمریکا تاثیر بگذارد و کاهش قیمت نفت را با این هدف دنبال می‌کند. اصلی‌ترین علت کاهش واردات نفت آمریکا، افزایش تولید داخلی نفت به مدد توسعه منابع غیرمتعارف نفت شیل بوده است. آمارهای رسمی عمدتاً اعداد مربوط به تولید نفت فشرده (Tight Oil) را اعلام می‌کنند؛ یعنی نفتی که از مخازن با تراوایی (Permeability) پایین و از جمله منابع شیل، استخراج می‌شود. تولید نفت فشرده آمریکا از ۲۹۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۰۵ به ۲/۲۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ رسیده است. هم‌زمان خالص واردات نفت و سوخت‌های زیستی از ۱۲/۵۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۵ به ۷/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ کاهش یابد. بر اساس چشم‌انداز انرژی آمریکا، سهم خالص واردات نفت و سوخت‌های مایع این کشور، از ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۳۲ درصد در سال ۲۰۴۰ کاهش خواهد یافت و این یعنی بازار صادرکنندگانی مثل عربستان بیش از میزان فعلی با کمبود تقاضا مواجه خواهد شد. در

چنین شرایطی است که گفته می‌شود احتمالاً تنها راه‌حل پیش‌رو برای عربستان، توقف توسعه منابع شیل آمریکاست؛ منابعی که با هزینه‌ای به مراتب بیشتر از منابع متعارف (Conventional) نفت توسعه می‌یابند. حامد قدوسی، استاد یار اقتصاد مالی انستیتو فناوری استیونس، در خصوص هزینه توسعه منابع شیل به «تجارت فردا» می‌گوید: «چاه‌های شیل به نسبت نفت سنتی عمر کوتاه‌تری دارند، در نتیجه هزینه ثابت اولیه (که عمدتاً برای حفاری صرف می‌شود) بعد از چند سال مستهلک می‌شود. در روش کلاسیک یک سرمایه‌گذاری سنگین اولیه انجام شده و چاه برای سال‌ها تولید می‌کند. در نتیجه تنها عامل مرتبط برای تصمیم تولیدکننده هزینه‌های متغیر خواهد بود که برای خاورمیانه خیلی پایین و در حد چند دلار است. صنعت شیل می‌تواند برای چند سال با سرمایه‌گذاری فعلی کار کند ولی باید مرتباً چاه‌های جدید و متعدد حفر کند. از این حیث در میان مدت هزینه حفاری برای منحنی عرضه کل صنعت شیل مثل هزینه متغیر رفتار می‌کند. در تصمیم سرمایه‌گذاران دو متغیر مهم است: حاشیه سود و میزان ریسک سرمایه‌گذاری. اگر قیمت فروش خیلی از نقطه سر به‌سری دور باشد سرمایه‌گذار عملاً با ریسک منفی چندانی مواجه نیست ولی اگر قیمت نزدیک نقطه سر به‌سری باشد و قیمت‌ها هم خیلی متغیر باشند سرمایه‌گذاران ممکن است بخواهند دست نگه دارند تا وضعیت روشن‌تر شود. در هر صورت سطح سرمایه‌گذاری در اثر افزایش عدم اطمینان پایین می‌رود.» اما چه قیمت نفتی مورد نیاز است تا توسعه منابع شیل، کماکان اقتصادی باشد؟

شاید اصلی‌ترین محل اختلاف در زمینه تاثیرگذاری احتمالی کاهش قیمت‌های جهانی نفت بر توسعه منابع شیل آمریکا، به برآورد اقتصادی حداقل قیمت مورد نیاز برای توسعه منابع شیل بازگردد. به گزارش فوربس، بر اساس اعلام دویچه بانک، ۴۰ درصد از تولید نفت شیل آمریکا که برای سال ۲۰۱۵ برنامه‌ریزی شده است، با قیمت‌های نفت کمتر از ۸۰ دلار در بشکه اقتصادی نخواهد بود.^۷ در سوی دیگر، اظهار نظر ماریسا واندرهوفن، مدیر اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی قرار دارد که می‌گوید: «نقطه سر به‌سری ۹۸ درصد از تولید نفت خام و میعانات گازی آمریکا، زیر ۸۰ دلار است و ۸۲ درصد از آنها، نقطه سر به‌سری ۶۰ دلار یا کمتر دارند.» در عین حال مدیرعامل EOG، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز آمریکا، اعلام کرده است این شرکت حتی با نفت ۴۰ دلار در هر بشکه نیز می‌تواند در Eagle Ford سودآور عمل کند. منطقه Eagle Ford روزانه ۱/۶ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند و بر اساس اطلاعات موسسه تحقیقات سرمایه‌گذاری ITG، مناطق Bakken و Permian به

تولید، واردات و مصرف نفت آمریکا (هزار بشکه در روز) - منبع: eia.gov

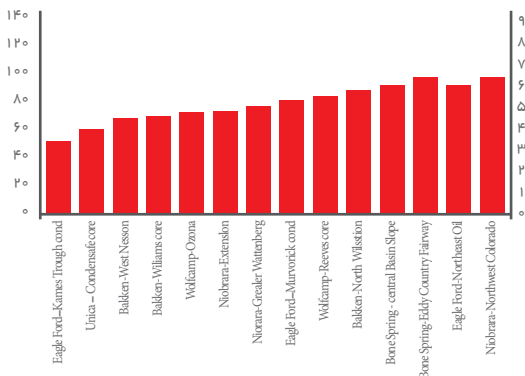


قیمت‌ها به ۱۰۰ دلار بازگردند و پیش از آنکه چنین اقدامی انجام دهد، قیمت‌ها باید بیشتر سقوط کنند. در نهایت به نظر می‌رسد پیچیدگی شرایط بازار نفت و وجود بازیگران متعددی که مقوله انرژی برای همه آنها مهم و حیاتی است، شرایطی را در بازار به وجود آورده است که نمی‌توان با قطعیت قابل توجهی درباره هدف آنها (و از جمله عربستان) سخن گفت. قدوسی در این خصوص می‌گوید: «در بازار پیچیده‌ای مثل نفت که جنبه‌های اقتصادی و ژئوپولیتیک متعدد دارد لزوماً یک هدف منفرد دنبال نمی‌شود. ضمن اینکه طبعاً ما دقیقاً نمی‌توانیم نیت طرفین را بدانیم. هر چه می‌دانیم حدس‌هایی است که می‌توانیم از روی رفتار بزنیم. این حدس‌ها را می‌توانیم با برخی سوالات پالایش کنیم. مثلاً بررسی‌ایم که در چند سال اخیر سعی در تثبیت قیمت نفت داشته چرا این بار که قیمت به دلیل افت تقاضا و افزایش عرضه بالا رفته واکنش نشان نمی‌دهد و سیاست پلیس قیمت خود را اعمال نمی‌کند؛ و البته واکنش اوپک نمی‌تواند بدون موافقت عربستان باشد. گفتمان امنیت انرژی که یکی از محرک‌های مهم سیاست انرژی در آمریکا (در درجه اول) و اروپا (در درجه دوم) است بستگی زیادی به قیمت و امنیت عرضه نفت دارد. در سایه این گفتمان است که سرمایه‌گذاری روی منابع پاک (مثل انرژی خورشیدی) و روش‌های غیرمتعارف (مثل شن‌های قبری و شیل) توجیه می‌شود. کاهش قیمت نفت برای یک مدت می‌تواند حمله‌ای به عناصر سازنده گفتمان تلقی شود.»

پی‌نوشت‌ها:

- 1- online.wsj.com, 1415040189
- 2- OPEC Annual Statistical bulletin 2005
- 3- Townhall.com, n1804878
- 4- SAMA.gov.sa, Monthly Statistical Bulletin, September
- 5- rbth.com, Ruble devaluation compensates for loss of oil revenue
- 6- eia.gov
- 7- Forbes.com, As Saudis Target Shale Industry, U.S. Considers a Response
- 8- Reuters.com, idUSKCN0121GG20141013
- 9- business.financialpost.com, U.S. shale producers stare down Saudis amid oil price war
- 10- online.wsj.com, 1415365241
- 11- Bloomberg.com, Saudi Arabia Signals It Will Let Oil Slide Further, FACTS Says

تخمین وود مکنزی از نقطه سر به سر تولید نفت در حوزه‌های اصلی شیل آمریکا (دلار)
منبع: businessinsider.com



حامد قدوسی می‌گوید تا دو سه سال آینده قیمت می‌تواند همچنان زیر ۶۰ دلار هم برود و تولید شیل ادامه پیدا کند. خصوصاً که تولیدکنندگان شیل می‌خواهند سرمایه‌گذاری قبلی را بازیافت کنند.

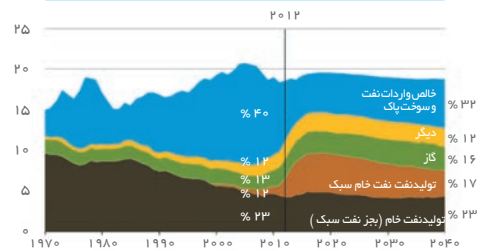
دو کشور به صورت مشترک طرحی برای کاهش تولید به منظور حفظ قیمت نفت ارائه کنند.^{۱۰} اکوادور و ونزوئلا جزو پنج کشوری هستند که در بیشتر بررسی‌های صورت گرفته از جمله بررسی اکونومیست و وال‌استریت ژورنال، به قیمت بالای نفت (بیش از ۱۱۵ دلار در هر بشکه) نیاز دارند. ایران، الجزایر و نیجریه سه کشور دیگر هستند. با وجود این درخواست اکوادور و ونزوئلا، کشورهای عربی، مثل عربستان، امارات متحده عربی، قطر و کویت نیز هستند که با قیمت نفت کمتر از ۹۰ و حتی ۸۰ دلار نیز می‌توانند به اداره امور کشور بپردازند. این تفاوت در نیاز به قیمت نفت موجب شده است بسیاری از کارشناسان معتقد باشند نشست جدید اوپک بدون تصمیم‌گیری خاصی در خصوص تغییر سقف تولید کشورها پایان خواهد یافت. فارغ از این امر، به طور کلی تصمیم‌های اوپک فاقد ضمانت اجرایی و عینی است. ضمن اینکه اگر کاهش اخیر قیمت نفت با هر هدفی از سوی عربستان حمایت شود، دستیابی به یک توافق با جلب نظر عربستان، دشوارتر می‌شود. به این مساله باید افزود که هنوز به طور دقیق مشخص نیست کف قیمت نفت مورد نظر عربستان یا حداقل قیمتی که بازار طی ماه‌های آتی خواهد دید، چند دلار است. به گفته فریدون فشارکی، تحلیلگر بین‌المللی بازار نفت و مدیرعامل شرکت فکتس گلوبال انرژی، قیمت نفت خام می‌تواند به ۶۰ تا ۸۰ دلار سقوط کند و برای حدود شش ماه در این محدوده باقی بماند تا تولید جهانی با تقاضا هم‌تراز شود.^{۱۱} به گفته او، عربستان سعودی در حال ارسال این سیگنال به بازار است که تولید خود را کاهش نخواهد داد تا

ترتیب به قیمت نفت متوسط ۶۷ دلار و ۶۵ دلار نیازمند هستند تا حفاری در آنها اقتصادی باشد.^۱ با نگاهی به ارقام مذکور به نظر می‌رسد نمی‌توان از هیچ قاعده کلی در خصوص حداقل قیمت مورد نیاز برای تولید نفت شیل در آمریکا سخن گفت. قدوسی در این خصوص می‌گوید: «باید توجه کنیم که هزینه تولید شیل یک طیف است. میدان‌های مختلف کیفیت یکسانی ندارند و لذا با یک منحنی مواجه هستیم که منابع عرضه‌ای با هزینه‌هایی بین ۵۰ تا ۱۰۰ را می‌پوشاند ولی میانگین آن جایی حدود ۷۰ دلار است؛ یعنی اگر قیمت زیر ۷۰ باشد نیمی از تولید فعلی غیراقتصادی می‌شود. البته همین تخمین‌ها هم تقریبی است و موسسات بزرگ سر یک عدد مشخص توافق ندارند. علاوه بر این باید به تأثیرات متفاوت قیمت نفت روی رفتار کوتاه‌مدت و بلندمدت توجه کرد. با توجه به اینکه چاه‌های فعلی شیل تا چند سال آینده هم قابلیت تولید دارند و هزینه حفاری آنها به اصطلاح ریخته (Sunk) شده، پایین رفتن قیمت تأثیر چندانی روی تصمیمات تولید چاه‌های فعلی نخواهد داشت. اگر قیمت به طور طولانی زیر ۶۰ تا ۷۰ دلار بماند تولید شیل جذابیت خاصی نخواهد داشت ولی تا دو سه سال آینده قیمت می‌تواند همچنان زیر ۶۰ دلار هم برود و تولید شیل ادامه پیدا کند، خصوصاً که تولیدکنندگان شیل می‌خواهند سرمایه‌گذاری قبلی را بازیافت کنند.» وودمکنزی، موسسه‌ای که در زمینه انرژی، فلزات و صنایع معدنی به ارائه اطلاعات و مشاوره می‌پردازد، به بررسی نقطه سر به سر برای حوزه‌های عمده تولید نفت شیل پرداخته است. بر این اساس، ارقام نقطه سر به سر از حدود ۵۴ دلار برای میعان‌گازی در Eagle Ford-Karnes Trough شروع می‌شود و در بیشترین مقدار به حدود ۸۰ دلار در Niobrara Northwest Colorado می‌رسد. این یعنی برای آنکه اکثریت حوزه‌های اصلی تولید نفت شیل از رده خارج شوند، قیمت نفت باید به ۵۴ دلار برسد؛ ولی در قیمت نفت زیر ۸۰ دلار نیز تولید از برخی حوزه‌ها غیراقتصادی خواهد بود.

بازار نفت: خانه‌ای از شن و مه

کمتر از دو هفته دیگر، یعنی ۲۷ نوامبر (۶ آذر) نشست ۱۶۶ اوپک در وین برگزار خواهد شد. در حالی که با کاهش قیمت نفت برخی پیش‌بینی می‌کردند نشست اضطراری برگزار خواهد شد، این اتفاق به وقوع نپیوست و همگان منتظر هستند تا ببینند سازمان کشورهای صادرکننده نفت در نشست آتی چه تصمیمی می‌گیرد؛ سازمانی که بسیاری معتقدند اکنون کارایی خود را از دست داده و عملاً نقشی در کنترل بازار نفت ندارد. در این میان، اکوادور و ونزوئلا تنها کشورهای عضو اوپک هستند که به صورت جدی، جلوگیری از سقوط بیشتر قیمت نفت را پیگیری می‌کنند. به گفته رافائل کورتا، رئیس‌جمهور اکوادور، این کشور با ونزوئلا مذاکره کرده و قرار است

عرضه نفت و دیگر سوخت‌های مایع در آمریکا بر اساس منبع تعیین (میلیون بشکه در روز)
منبع: eia.gov



هدف عربستان: تلاش برای حفظ سهم بازار

کامیاب محدث از بازار نفت، اقتصاد جهانی و اهداف احتمالی عربستان از کاهش قیمت نفت می‌گوید

بعد از آنکه در گفت‌وگوی شماره ۱۰۸ «تجارت فردا» با دکتر هاشم پسران، او به مقاله مشترک خود با کامیاب محدث درباره بازار نفت اشاره کرد، مترصد فرصتی شدید تا بیشتر درباره این مدل نسبتاً کم‌نظیر بازار نفت مطلع شویم. کاهش قیمت نفت در جهان و سیاست‌های احتمالی عربستان سعودی در بازار نفت، مصداق «تهدید»ی بود که این «فرصت» را برای گفت‌وگو با کامیاب محدث، اقتصاددان ایرانی، به‌وجود آورد. محدث که در دانشگاه کمبریج به تدریس می‌پردازد، پیشتر پژوهش‌های مشترک دیگری با پسران انجام داده است. این دو اقتصاددان، در مقاله اخیر خود به مدل‌سازی بازار جهانی نفت و اقتصاد کشورهای پراخته‌اند. در گفت‌وگو با محدث، او از جزئیات این مقاله و مدل می‌گوید و علاوه بر آن، به تحلیل اهداف احتمالی عربستان در بازار نفت می‌پردازد. به عقیده او هدف اصلی عربستان، نه افزایش صادرات به آمریکا، که حفظ بازار فعلی نفت خود است.

اگر موافق باشید گفت‌وگو را با محوریت مقاله اخیر شما و آقای دکتر پسران شروع کنیم. ظاهراً این مقاله در خصوص تأثیر تحریم‌های احتمالی نفت بر شاخص‌های اقتصادی کلان کشورهای مثل ایران و عربستان است. قدری در مورد مقاله خود بیشتر توضیح می‌دهید؟

مقاله ما در این خصوص است که اگر تولید نفت صادرکنندگان به دلایلی مثل تحریم کاهش یابد، چه اتفاقی در اقتصاد آنها و کشورهای دیگر می‌افتد؛ اعم از کشورهایی که صادرکننده نفت هستند و کشورهایی که نفت وارد می‌کنند مثل آمریکا، کشورهای اروپایی، چین و هند. در واقع

ما اثر این مساله را بر رشد اقتصادی، بازار سرمایه و همچنین قیمت نفت نیز بررسی می‌کنیم. وقتی شوکی در زمینه تولید نفت یک کشور اتفاق می‌افتد، اولاً صادرات نفت آن کشور را کم می‌کند. دوماً قیمت نفت ممکن است بالا برود یا پایین بیاید. همچنین تولید نفت کشورهای دیگر نیز ممکن است زیاد بشود یا نشود. بعد از این می‌توان مطالعه کرد که این اتفاق چه اثری روی رشد اقتصادی کشورهای اروپایی، آمریکایی یا آسیایی دارد.

برای نگارش چنین مقاله‌ای احتمالاً نیاز به اطلاعات زیاد و طراحی مدل پیچیده‌ای است. در مورد مدل مقاله بیشتر توضیح می‌دهید؟

برای این مقاله، ابتدا یک مدل عرضه-تقاضای بازار نفت طراحی شد که به این سوال پاسخ می‌دهد که تولید و تقاضای نفت در دنیا چگونه تغییر می‌کند. یعنی در ابتدا می‌گوییم بازار نفت دنیا از چه عواملی متاثر است. یک عامل می‌تواند افزایش تقاضای نفت به دلیل افزایش رشد اقتصادی کشورها باشد. مورد دیگر تأثیر تغییر تولید نفت بر قیمت است؛ یعنی اگر تولید نفت به صورت ناگهانی کاهش یابد، ممکن است قیمت نفت بالا رود. البته این مساله به تولید نفت دیگر کشورها هم بستگی دارد و اگر تولید نفت همه کشورها کاهش یابد، احتمالاً قیمت نفت افزایش پیدا می‌کند.

در بخش بعدی ما ۳۴ کشور جهان را، که ایران نیز در میان آنهاست و مجموعاً بیش از ۹۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهند، در مدل خود قرار دادیم. کشورهای بزرگ مثل آمریکا، کشورهای اروپایی، چین، هند و ژاپن و نیز کشورهای صادرکننده نفت مثل کانادا، اندونزی، مکزیک، ایران، نروژ و عربستان سعودی در این مدل قرار دارند. این مدل شامل متغیرهای کلان هر کشور مثل تولید ناخالص داخلی، تورم، بورس، بهره‌کوتاهمدت و طولانی‌مدت و نرخ تبادل ارز و بر اساس مشاهده‌های بسیار زیاد از ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۳ طراحی شده است.

بعد از طراحی مدل اقتصاد دنیا، این مدل را به مدل نفت دنیا وصل می‌کنیم. وقتی که این دو مدل به هم متصل شدند، می‌توان بررسی کرد که اگر تولید نفت در هر کشوری مثلاً ایران یا عربستان کم شد، چه اثری بر اقتصاد آن کشور و دنیا می‌گذارد. این مدل از آن جهت حائز اهمیت است که در مورد کشوری مثل عربستان، مورد

تاریخی نداریم که این کشور مورد تحریم نفتی قرار گرفته باشد و در نتیجه نمی‌توانیم به این سوال پاسخ دهیم که در صورت تحریم نفتی عربستان، چه اتفاقی می‌افتد.

آیا پیش از این مشابه چنین مدل‌سازی با این جزئیات صورت گرفته است؟

تا جایی که من اطلاع دارم چنین کاری صورت نگرفته است. بیشتر کارهایی که روی بازار نفت انجام می‌شوند، این‌گونه است که فرض می‌کنند تولید نفت در کل دنیا کم شود، یعنی یک شوک عرضه به‌وجود آید. در واقع کارهای اقتصادسنجی آنها معمولاً جزئیات در حد کشورها را شامل



نمی‌شود.

بر مبنای مدل شما تحریم نفتی ایران چه نتیجه‌ای دارد؟

ما ابتدا در نظر گرفتیم که تولید نفت ایران کاهش یابد. سپس در مدل جهانی نفت به تخمین پرداختیم و مطالعه کردیم که آیا «کشش» (elasticity) به دست آمده با مطالعات قبلی سازگار است که این‌گونه بود. بعد بررسی کردیم که در اثر این شوک نفتی، تولید ناخالص داخلی ایران چقدر کاهش پیدا می‌کند. بر اساس این مدل در سال اول تولید ناخالص داخلی ایران شش درصد کم می‌شود. بر اساس اطلاعات بانک مرکزی و موسساتی که در ایران هستند، در زمانی که تحریم به وقوع پیوست، رشد اقتصادی ایران تقریباً شش درصد کم شد. بر اساس مدل در طولانی‌مدت یعنی بعد از دو یا سه سال، این اثر منفی کمتر می‌شود و به منفی ۲/۶ درصد می‌رسد، یعنی رشد در سال دوم ۲/۴ درصد بالاتر می‌رود. بر اساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول نیز رشد اقتصادی ایران حدود ۲ تا ۲/۵ درصد است.

مدل ما نشان می‌دهد اگر تولید نفت ایران کم شود، عربستان سعودی تولید نفت خود را افزایش می‌دهد. در واقع شوکی که منجر به کاهش تولید نفت ایران شده است، وقتی عربستان تولید نفت خود را زیاد کند، عملاً باعث نمی‌شود قیمت نفت افزایش یابد. این خیلی مهم است، چون اگر این اتفاق نمی‌افتاد و در اثر کاهش تولید نفت ایران، قیمت نفت در جهان بالا می‌رفت، امکان داشت صدمه اقتصادی به ایران از نظر تولید ناخالص داخلی کمتر شود یا اصلاً اتفاق نیفتد. اما آنچه می‌بینیم این است که عربستان سعودی صادرات خود را افزایش می‌دهد و به همین علت قیمت نفت بالا نمی‌رود. در واقع قیمت نفت در کوتاه‌مدت افزایش می‌یابد، ولی در بلندمدت این‌گونه نیست.

مدل ما نشان می‌دهد تأثیر تحریم‌های نفتی در سطح جهانی به طور اساسی به این وابسته است که کدام کشور تحریم شود. اگر عربستان مورد تحریم قرار گیرد، دیگر تولیدکنندگان نمی‌توانند کاهش عرضه نفت این کشور را جبران کنند و در نتیجه مدل نشان می‌دهد قیمت نفت به صورت فوری و دائمی در طولانی‌مدت ۲۲/۴ درصد افزایش می‌یابد. در اقتصاد جهانی نیز کشورهای نوظهور و پیشرفته هر دو دچار افت خواهند

شوکی که منجر به کاهش تولید نفت ایران شده است، وقتی عربستان تولید نفت خود را زیاد کند، عملاً باعث نمی‌شود قیمت نفت افزایش یابد

بازه گسترده‌ای دارد. یک پروژه به نفت ۴۳ دلار نیازمند است و پروژه دیگر به نفت ۱۸۰ دلاری نیاز دارد. در این خصوص تحقیقات زیادی انجام شده است. برخی تحقیق‌ها نشان می‌دهند متوسط نقطه سر به سر ۷۰ تا ۸۰ دلار است. پژوهش دیگر نشان می‌دهد برای پروژه Eagle Ford نقطه سر به سر بین ۶۰ تا ۸۰ دلار است. لذا به نظر می‌رسد نقطه سر به سر بین ۶۵ تا ۷۵ دلار باشد و قیمت نفت هنوز به جایی نرسیده است که پروژه‌های شیل غیر اقتصادی باشند. اگر قیمت نفت همین‌طور بماند، سود پروژه‌ها کمتر می‌شود ولی هنوز می‌توانند به ادامه کار بپردازند.

در نهایت به تئوری سوم می‌رسیم؛ تنها دلیل اینکه عربستان سعودی تولید نفت خود را کم نکرده این است که می‌خواهد بازار خود را نگه دارد و نه اینکه صادرات خود را افزایش دهد. دلیل اینکه با وجود کاهش قیمت نفت، عربستان نه‌تنها تولید نفت خود را کاهش نمی‌دهد بلکه به ارائه تخفیف نیز می‌پردازد، این است که هدف دارد بازار خود را حفظ کند.

سوال مهم این است که وقتی نفت پابین می‌آید، آیا عربستان به آسانی می‌تواند قیمت نفت را بالا ببرد؟ اگر به بازار نگاه کنیم، با وجود کاهش قیمت نفت، تولیدات نفت دنیا نه‌تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه ثابت مانده و حتی افزایش پیدا کرده است. دلیل هم این است که وقتی قیمت نفت پابین می‌آید، اگر دولت‌ها بخواهند به بودجه‌شان آسیب نرسانند، باید تولید را زیاد کنند. وقتی قیمت پابین آمده و تولید افزایش یافته است، تقاضا باید افزایش یابد ولی متأسفانه نمی‌بینیم که تقاضا زیاد شود. اگر به ۱۵ تا ۲۰ سال اخیر نگاه کنیم، می‌بینیم تقاضا در آمریکا، کانادا یا کشورهای اروپایی کاهش یافته، اما به طور کلی تولید نفت در جهان زیاد شده است. تولید نفت آمریکا از ۸/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۵ هم‌اکنون به ۱۲/۳ میلیون رسیده است. تولید نفت عراق از سال ۲۰۰۵ حدود ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است. تولید نفت عربستان سعودی هم یک میلیون بشکه زیاد شده است. عربستان سعودی می‌تواند تولید نفت خود را کم کند، ولی مشکل اینجاست که چقدر باید این تولید کاهش پیدا کند تا قیمت را بالا ببرد؟ شاید حتی دو میلیون بشکه در روز.

یک نکته در مورد قیمت نقطه سر به سر وجود دارد و اینکه برخی پروژه‌ها که بخش اعظم سرمایه‌گذاری آنها قبلاً انجام شده است، برای ادامه تولید و سودآوری یا کاهش زیان، تنها به هزینه‌های نسبتاً اندک عملیاتی نیاز دارند و کاهش قیمت نفت باید برای چند سال ادامه داشته باشد تا تولید نفت از منابع شیل کاهش یابد. نظر شما در این خصوص چیست؟

دقیقاً همین‌طور است. اگر به تئوری دوم نگاه کنیم، مشکل این است که در کوتاه‌مدت کاهش قیمت نفت تأثیر زیادی ندارد و در بلندمدت باید قیمت نفت پابین بماند. پروژه‌های فعلی و در حال تولید نفت و گاز شیل، نقطه سر به سر پایینی دارند ولی برای پروژه‌های جدید، اگر قیمت نفت برای مدت زیادی پابین بماند، سرمایه‌گذاران منتظر خواهند ماند. لذا پروژه‌های فعال متوقف نخواهند شد ولی سرمایه‌گذاری‌های جدید تأثیر خواهند پذیرفت.

تاکنون ونزوئلا و اکوادور کاهش تولید نفت اوپک را هدف‌گذاری کرده‌اند. آیا اوپک تصمیم به کاهش قیمت نفت خواهد گرفت؟

به نظر من این اتفاق نخواهد افتاد. چون برای مثال ونزوئلا قیمت نفت بالایی را مورد نیاز دارد. کشورهای مثل ایران و نیجریه نیز این‌طور هستند. ولی عربستان با توجه به مزاد قابل توجه، می‌تواند حدود شش یا هفت سال با قیمت‌های فعلی به اداره کشور بپردازد. کویت نیز همین‌طور است. مشکل اصلی این است که کدام کشور حاضر است تولید نفت خود را کاهش دهد؟ در اوپک، تنها کشوری که می‌تواند تولید خود را کاهش دهد عربستان سعودی است. اما آیا عربستان سعودی حاضر است دو میلیون بشکه از تولید نفت خود را به سود کشورهای دیگر کاهش دهد؟ و دیگر اینکه، آیا کشورهای دیگر تولید نفت خود را افزایش نخواهند داد؟

اگر تاریخ را نگاه کنیم، بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵، عربستان به منظور حفظ قیمت نفت، تولید خود را کاهش داد. اما نمی‌توانست دیگر این کار را انجام دهد و تولید خود را ناگهان افزایش داد. این مشکل اوپک است که برخی کشورها مثل ایران، ونزوئلا و نیجریه به قیمت‌های بالای نفت نیازمند هستند و برخی دیگر نه. اگر این کشورها (مثل کویت و عربستان) برای توازن بودجه به تولید بیشتر نفت نیاز نداشتند، آن زمان امکان تصمیم‌گیری وجود داشت. |

شد. علاوه بر این می‌توان نتیجه گرفت تحریم نفتی ایران، به سود عربستان و به صورت متقابل تحریم نفتی عربستان به نفع ایران است.

آنچه شما اشاره کردید بیشتر مربوط به شوک منفی تولید نفت است. با توجه به جامعیت مدل، مواردی مثل افزایش تولید نفت آمریکا که در واقع یک شوک مثبت در سمت عرضه به شمار می‌رود نیز قابل مطالعه به نظر می‌رسد. این‌گونه است؟

بله، شوک مثبت هم در این مدل قابل بررسی است. این مدل بزرگ است و اثر شوک‌های دیگر مثل افزایش قیمت نفت یا تغییر نرخ بهره یا تغییر رشد اقتصادی چین را نیز می‌توان مطالعه کرد. اما مقاله ما که به زودی روی وب‌سایت قرار می‌گیرد، در خصوص شوک منفی است.

در تحلیل‌های متداول بازار نفت، معمولاً از مسائلی همچون ناآرامی‌های سیاسی و تحولات منطقه‌ای به عنوان عوامل موثر بر بازار نفت یاد می‌شود. آیا دخیل بودن این مسائل در بازار نفت، بر دقت مدل شما موثر هستند یا در نهایت همه این مسائل هم خود را در عرضه و تقاضا نشان می‌دهند؟

تمام مسائل خود را در عرضه و تقاضا نشان می‌دهند. ما در مدل خود هم به قیمت‌های اسمی (Nominal) نگاه کردیم و هم به قیمت‌های واقعی (Real) تا ببینیم پاسخ خیلی فرق می‌کند یا نه که تفاوتی نداشت. اما در نهایت قیمت اسمی را قرار دادیم. چراکه مسائل سیاسی خود را در قیمت‌های «اسمی» بیش از «واقعی» نشان می‌دهند. اما در نهایت همه مسائل در عرضه و تقاضا دیده می‌شود و ما آن را جداگانه مدل‌سازی نکردیم.

به عنوان آخرین سوال در خصوص مدل‌سازی‌های مرتبط با نفت، شما پیشتر پژوهشی در خصوص اثرات طولانی مدت صادرات نفت انجام داده‌اید. در مورد این مقاله و نتایج آن بیشتر توضیح می‌دهید؟

ما شش کشور صادرکننده نفت شامل ایران، عربستان سعودی، کویت، نیجریه، ونزوئلا و لیبی را مورد مطالعه قرار دادیم تا اثر افزایش درآمد نفتی را بررسی کنیم. این مدل مثل کاری که اخیراً انجام دادیم، یک مدل کشور به کشور است و بررسی ما نشان داد اثر این درآمدها در طولانی مدت مثبت بوده است. مقالات زیادی در این خصوص وجود دارند که شوک درآمد نفتی به یک کشور صادرکننده نفت، در طولانی مدت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی آن کشور دارد. یک دلیل این است که وقتی شوک اتفاق می‌افتد، نرخ تبادل ارز آن کشور افزایش می‌یابد، تخصیص منابع تغییر می‌کند و فعالیت‌هایی که انجام شدند آنها در اقتصاد بهتر است کاهش می‌یابد و با کاهش این فعالیت‌ها نهایتاً رشد اقتصادی در طولانی مدت کم می‌شود. ما نشان دادیم که این‌طور نیست و با وجود افزایش نرخ تبادل ارز، رشد اقتصادی در طولانی مدت افزایش می‌یابد.

در مورد ایران دیدیم که تورم اثر منفی زیادی دارد و این شاید نشان‌دهنده آن باشد که احتمالاً درآمد نفت نسبت به کشورهای دیگر به خوبی سرمایه‌گذاری نشده است و مدیریت اقتصاد کلان باید بهتر صورت گیرد. تورم تبعات منفی دارد که احتمالاً ناشی از اثر منفی آن روی سرمایه‌گذاری کلان است. نتیجه‌گیری اینکه خیلی مهم است که نرخ تورم پابین بیاید که در این یک سال می‌بینیم نرخ تورم تقریباً نصف شده است.

اگر موافق باشید، وارد بحث شرایط فعلی بازار نفت شویم. محور سوالات در خصوص تأثیرات کاهش قیمت نفت و اهداف احتمالی عربستان از آن است. به نظر شما اهداف احتمالی عربستان چیست؟

دو تئوری اصلی در خصوص اهداف عربستان وجود دارد. اول اینکه عربستان سعودی در صدد است با همکاری آمریکا، قیمت نفت پابین بیاید و درآمد دولت ایران و روسیه کاهش یابد. کاهش ۲۰ تا ۲۵ درصدی قیمت نفت در ۴/۵ تا ۵ ماه اخیر، احتمالاً اثر منفی زیادی بر درآمد روسیه از فروش نفت و همچنین گاز (که قیمت آن با نفت مرتبط است) داشته است. کاهش قیمت نفت نه‌تنها بر ایران و روسیه، که بر تمام صادرکنندگان نفت و از جمله خود عربستان تأثیر منفی دارد. این تئوری یک مشکل دارد و آن اینکه وقتی قیمت نفت پابین می‌آید، بر درآمد پروژه‌های منابع نفتی غیرمتعارف در آمریکا هم تأثیر منفی می‌گذارد.

اینجا تئوری دوم به میان می‌آید که بر اساس آن، عربستان قیمت نفت را پابین نگه می‌دارد تا در طولانی مدت بتواند تولید نفت بیشتری داشته باشد. الان قیمت نفت حدوداً ۸۰ دلار است. اما اگر به نقطه سر به سر قیمت نفت شیل نگاه کنیم، می‌بینیم